

## تبیین ابعاد تأثیر گذاری نظامی شدن دریای خزر بر امنیت ملی ج.ا.ایران

محمدجعفر آجورلو<sup>۱</sup>، ابوذر حسین پور دستکی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۲

### چکیده

دریای خزر پس از فروپاشی شوروی، به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به محیطی تنش‌زا و بی‌ثبات تبدیل گردید که حرکت منطقه به سمت نظامی شدن را در پی داشته است. از آنجا که هر نوع فعل و انفعال سیاسی و نظامی در این دریا برای امنیت ملی ج.ا.ایران بسیار مهم و حیاتی می‌باشد، مقاله حاضر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و توزیع پرسشنامه بین ۵۵ نفر از نخبگان در طیف لیبرال، به دنبال شناسایی عوامل تنش‌زای مؤثر بر روند نظامی شدن دریای خزر و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران می‌باشد. یافته‌های تحقیق با بررسی نقش سه عامل «انرژی خزر، تلاش آمریکا برای انزوای ایران در منطقه و اختلاف کشورها بر سر رژیم حقوقی دریای خزر» به این نتیجه رسیده است که هر یک از این عوامل با ایفای نقش در نظامی شدن خزر، موجب تهدید امنیت ملی ج.ا.ایران در این پهنه آبی گردیده‌اند.

واژگان کلیدی: نظامی شدن خزر، انرژی خزر، رژیم حقوقی، ج.ا.ایران، امنیت ملی

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) - (mj.ajorloo@gmail.com)

۲. کارشناس ارشد جغرافیای نظامی - (abh2014@chmail.ir)

## ۱. کلیات

### ۱-۱. طرح مسئله

با فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های پانزده‌گانه این امپراطوری، قدرت‌های فرامنطقه‌ای تلاش‌های روزافزون خود را برای نفوذ هر چه بیشتر و سریع‌تر به محدوده حیات خلوت روسیه آغاز کردند. یکی از مناطقی که اهمیت خاصی در سطح منطقه و جهان دارد، حوزه دریای خزر است.

سه کشور جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به دلیل نداشتن سابقه حکومت ملی و نیز شرایط جغرافیایی حاکم بر آنها (موقعیت بری) به دنبال تغییر و ارتقای جایگاه خود و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای هستند. توسعه اقتصادی، از راه بستن قراردادهای تجاری با کشورهای اروپایی و شرکت‌های بزرگ نفتی و کشورهای منطقه‌ای مانند چین، برای بهره‌برداری از میدان‌های نفتی و انتقال این منابع انرژی به بازارهای جهانی، سبب ایجاد فضایی رقابتی بین کشورهای منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و شرکت‌های بزرگ جهانی شده است. نتیجه تمامی عوامل، ایجاد رقابت در منطقه، ایجاد فضایی پُر از چالش و تنش به‌ویژه برای کشورهای ساحلی منطقه خزر است. شکل‌گیری پیمان‌های تسلیحاتی و نظامی به‌ویژه اجرای رزمایش‌های تسلیحاتی با حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای با هدف دور نگه داشتن کشورهای ساحلی از مسائل امنیتی خزر (به‌ویژه ج.ا.ایران و روسیه)، نیز باعث تشدید فضای ناامن در خزر شده است، از سوی دیگر، وجود منابع انرژی و آبی و همچنین ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای منطقه - موقعیت راهبردی، موقعیت بری و بحری - در سایه نداشتن همگرایی‌های منطقه‌ای، به مناقشه‌های سیاسی و راهبردی در زمینه ژئوپلیتیک دسترسی منجر شده است. به‌کار نگرفتن دیپلماسی صحیح توسط کشورهای ساحلی خزر در حل مسائل منطقه‌ای، به‌ویژه مسئله تعیین مرز سیاسی و مشکل‌های ناشی از آن و نیز مسئله آلودگی منابع آب و آبی در خزر، به تشدید عوامل منازعه در منطقه منجر شده و در

نتیجه، حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای را گسترش داده است که منافع کشورهای ساحلی را به خطر می‌اندازد (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸).

حال با توجه به اهمیت منطقه خزر، وجود عوامل مناقشه مطرح شده و اعمال نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای، روند نظامی شدن دریای خزر از حدود یک دهه پیش آغاز شده و همچنان در حال قوت گرفتن است. با توجه به بسته بودن دریای خزر و راه نداشتن به آب‌های آزاد، نظامی شدن خزر با روند نظامی شدن و مسابقه تسلیحاتی در دیگر نقاط دنیا تفاوت دارد. حال این پرسش مطرح است که چه عوامل و متغیرهایی در منطقه دریای خزر موجب تغییر سیاست کشورهای حاشیه این دریا در جهت افزایش توان نظامی و تسلیحاتی گردیده و نظامی شدن این دریای بسته، چه تأثیری بر امنیت ملی ج.ا.ایران دارد؟

## ۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

آشنایی با حوزه‌های ژئوپلیتیکی همجوار و داشتن برآورد صحیح از موقعیت سیاسی، اقتصادی، نظامی و... این حوزه‌ها در جهان امروز، امری ضروری به نظر می‌رسد. شبکه در هم پیچیده ارتباطات بین‌المللی و وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر هزینه تصمیم‌گیری‌های اشتباه ناشی از نداشتن اطلاعات کافی و درست را برای تصمیم‌گیران و سیاستگذاران کشورها بسیار سنگین کرده است. دریای خزر، بزرگ‌ترین دریاچه جهان بوده و پس از خلیج فارس و سیبری بیشترین ذخیره نفتی و گازی جهان را داراست. با توجه به اینکه حوزه ژئوپلیتیکی خزر یکی از مناطق کلیدی و راهبردی ج.ا.ایران محسوب می‌شود و از سوی حضور کشورهای هم‌چون آمریکا و رژیم صهیونیستی در این منطقه و بستن قراردادهای نظامی با بعضی از کشورهای همسایه ایران در منطقه خزر باعث گردیده که هر نوع حرکت سیاسی و نظامی در این دریا برای ج.ا.ایران مهم و حیاتی باشد؛ از این رو ضروری است عوامل مؤثر در

نظامی شدن این دریا مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شود که نظامی شدن این دریا از سوی چه کسانی و با چه هدفی دنبال می‌شود و چه تأثیری بر امنیت ملی ج.ا.ایران خواهد داشت.

### ۱-۳. پیشینه تحقیق

موضوع نظامی شدن دریای خزر در ادبیات راهبردی، سیاسی و نظامی کشورمان چندان مورد توجه قرار نگرفته است، با این حال درباره موضوع این پژوهش می‌توان به مقاله آقای بهمن و کتاب ژئوپلیتیک دریای خزر اشاره نمود. مقاله آقای بهمن، به سیاست نظامی کشورهای حاشیه خزر پرداخته ولی به علل اتخاذ چنین سیاستی که همان عوامل تنش‌زای خزر می‌باشد، کمتر توجه نموده است (بهمن، ۱۳۹۰). کتاب ژئوپلیتیک دریای خزر نیز بیشتر به ابعاد ژئوپلیتیکی خزر پرداخته و به مسائل نظامی، اشاره‌ای نکرده است.

### ۱-۴. پرسش تحقیق

چه عواملی در نظامی شدن دریای خزر مؤثر می‌باشند و چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند؟

### ۱-۵. فرضیه تحقیق

اهمیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی دریای خزر برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، موجب افزایش تنش‌های ناشی از رقابت آنها در منطقه و نظامی شدن این دریا گردیده که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه می‌سازد.

## ۶-۱. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر روش انجام و ماهیت، «توصیفی و تحلیلی» و از نظر نوع تحقیق نیز «کاربردی» می‌باشد. همچنین این پژوهش توصیفی برای گردآوری داده‌ها، ضمن تنظیم پرسشنامه در قالب طیف لیکرت، از روش کتابخانه‌ای بهره‌جسته و با مطالعه تطبیقی منابع قابل دسترس در کتابخانه، اسناد و اینترنت، تحقیق را به سرانجام خواهد رسانید. در این تحقیق، متغیر مستقل «نظامی شدن دریای خزر» و متغیر وابسته «امنیت ملی ج.ا.ایران» می‌باشد. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز با بهره‌گیری از استنباط محققان از داده‌های مختلف درباره مؤلفه‌های عملیاتی متغیر مستقل و وابسته و استفاده از نظر نخبگان در پرسشنامه‌های توزیع شده و با کمک نرم‌افزارهای مختلف آماری، صورت گرفته است.

پرسشنامه این تحقیق با ۱۸ سؤال بسته طراحی گردیده و حجم نمونه آماری این تحقیق به صورت انتخابی، ۵۵ نفر از استادان دانشگاهی آگاه بر مسائل ژئوپلیتیکی و عناصر و مراکز اطلاعاتی، نظامی و سیاست خارجی در سطح کارشناس ارشد و دکتری آگاه به مسائل نظامی و سیاسی دریای خزر و امنیت ملی ایران می‌باشد که این حجم نمونه آماری بر اساس مشورت با افراد خبره و صاحب‌نظر در این موضوع به دست آمده است. مشخصات افرادی که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود:

جدول شماره ۱. مشخصات پاسخ‌دهندگان در حجم نمونه آماری

شغل	مقطع تحصیلی			سن		فراوانی	
	کارشناس سیاست خارجی	استاد دانشگاه	دکتری	کارشناسی ارشد	۳۰-۴۵		۴۶-۶۰
کارشناس نظامی و اطلاعاتی	۴	۳۲	۳۰	۲۱	۴۰	۱۵	۱۹

## ۲. مبانی نظری

### ۲-۱. تعاریف

#### ۲-۱-۱. دریای خزر

منظور از دریای خزر، پهنه آبی شمال ایران و پنج کشور حاشیه آن (ج.ا.ایران، جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان) را شامل می‌شود. دریاچه خزر، بزرگ‌ترین دریاچه جهان است، از این‌رو آن را دریا می‌نامند.

#### ۲-۱-۲. نظامی شدن

منظور از نظامی شدن دریای خزر، گرایش کشورها به افزایش توان نظامی خود در حاشیه دریای خزر برای آماده شدن در جهت برخوردهای نظامی احتمالی بین این کشورها و یا ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدهای ناشی از تحرکات نظامی سایر کشورهای حاشیه این دریا می‌باشد که با افزایش نیرو، تجهیزات نظامی و استفاده از حمایت‌های نظامی و سیاسی کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قالب پیمان‌های نظامی و خرید تسلیحات و... همراه است.

جدول شماره ۲. ظرفیت نیروی دریایی کشورهای حاشیه دریای خزر

نام کشور	کشتی‌ها و شناورهای جنگی (از جمله موشکی)	تعداد کارکنان (نفر)	یگان حفاظت ساحلی (گارد ساحلی)	تفنگداران دریایی	نیروی هوایی	نیروهای دریایی ذخیره
روسیه	حدود ۶۰ فروند (۶ شناور موشک‌انداز)	۲۰۰۰۰	یگان‌های موشکی (موشک‌های ضدکشتی اوران)	تیپ	بالگرد به اضافه گردان‌های (اسکادران‌های) نیروی هوایی (از جمله هواپیماهای دوربرد و راهکنشی تاکتیکی)	تیپ ۱۷ مرزبانی دریایی
قزاقستان	حدود ۲۸ فروند	۳۰۰۰	تیپ دفاع ساحلی	گردان	۲ اسکادران هواپیماهای اکتشافی و پایگاه هوایی آکتائو	کشتی‌ها و قایق‌های مرزبانی
ج.ا.ایران	حدود ۵۵ فروند (۳ شناور موشک‌انداز، ۱ یا ۲ زیردریایی کوچک)	۳۰۰۰	نیروی دریایی ارتش با ۳ تیپ (۲۶۰۰ نفر) و نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ۱ تیپ (۵۰۰ نفر)		هواپیما و بالگردهای جنگی و گشتی	واحدهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
آذربایجان	حدود ۴۶ فروند (زیردریایی‌های کوچک تریتون - MI و تریتون - ۲)	۳۵۰۰	یگان دریایی (تعداد ۲۰۰۰)، مرکز جاسوسی و خرابکاری		نیروی هوایی آذربایجان، ۳ پایگاه در سواحل دریای خزر دارد (جنگنده‌های سوخو ۲۴، سوخو - ۲۵، میگ ۲۹، میگ ۲۵، میگ و بالگرد)	گارد ساحلی مستقر در ناوچه‌ها (کشتی‌های گشتی) ندارد.
ترکمنستان	حدود ۳۱ فروند (۲ شناور موشک‌انداز)	۲۰۰۰	از گردان تا تیپ تفنگداران دریایی		نیروی هوایی این کشور تا ۲۵۰ فروند بالگرد و هواپیما در اختیار دارد	حراست از مرز دریایی از سوی خدمات مرزبانی نیروی دریایی

منبع: طاهراف، ۲۰۱۲.

## ۲-۲. مبانی و چارچوب نظری

### ۲-۲-۱. جایگاه خزر در نظریه‌های ژئوپلیتیکی

همه نظریه‌های ژئوپلیتیکی جهان بر اساس وجود دو محور آب و خشکی مطرح گردیده است و این استمرار جنگ بین آب و خشکی، مسئله‌ای است که از دیرباز آغاز

شده، باز هم تکرار خواهد شد، تنها تغییری که در آن به وجود آمده، ناشی از گسترده‌تر شدن قلمروهای جغرافیایی آنهاست (قنبری، ۱۳۹۰: ۶۰). فردریک راتزل<sup>۱</sup>، در رساله خود در سال ۱۹۰۴ با عنوان «محور جغرافیای تاریخ» دیدگاه زمین‌محور خود را مطرح کرد که در آن، برای بخش مرکزی اوراسیا اهمیت ویژه‌ای قائل شد و این منطقه را به دلیل داشتن فضا و منابع گسترده، منحصر به فرد دانست (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۸). حوزه دریای خزر در چارچوب نظریه‌های ژئوپلیتیک دوره جنگ سرد و پیش از آن، بین دو قلمرو سرزمین قلب (هارتلند) و سرزمین حاشیه (ریملند) که در نظریه‌های مکیندر<sup>۲</sup> و اسپایکمن<sup>۳</sup> انعکاس یافته بود، قرار داشت؛ به عبارتی بخش عمده آن در شمال جزو هارتلند بود که در واپایش قدرت بری شوروی قرار داشت و بخش جنوبی آن جزو کشور ایران بود که از زمره قلمرو ریملند و سرزمین حاشیه محسوب می‌شد. این منطقه در دوره جنگ سرد و پیش از آن سطح تماس و اصطحاکاک دو قدرت جهانی بری و بحری (روسیه و انگلستان و سپس آمریکا و شوروی) بوده است (زین‌العابدین و یحیی‌پور، ۱۳۸۸: ۷۶). از زمانی که مکیندر، منطقه اوراسیا را برای سیادت بر جهان، حیاتی توصیف کرد و آن را قلب زمین نامید، بیش از یک صد سال می‌گذرد. اوراسیا در دوران جنگ سرد، صحنه اصلی رقابت بین دو ابرقدرت جهان بود و اکنون نیز به نظر برژینسکی<sup>۴</sup> که یکی از طرفداران جدی بازی‌های سیاسی در اوراسیاست، در عصر پس از جنگ سرد نیز مورد اختلاف و درگیری قدرت‌های بزرگ باقی خواهد ماند (یزدانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳۴).

به اعتقاد جفری کمپ<sup>۵</sup> حدود هفتاد درصد ذخایر اثبات‌شده جهانی و بیش از چهل درصد منابع گاز طبیعی آن در داخل منطقه‌ای تخم‌مرغ شکل از جنوب روسیه و قزاقستان تا عربستان سعودی و امارات متحده عربی محصور شده است. آنچه ارتباط

- 
1. Friedrich Ratzel
  2. Mackinder
  3. Spykman
  4. Zbigniew Brzezinski
  5. Geaffrey Kemp



خاصی با این مسئله دارد، نیازمندی‌های انرژی رو به رشد آسیا از جمله کشورهای چین، هند و جنوب شرق آسیاست (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۴). در نظریه کمپ، دریای خزر یکی از دو منطقه راهبردی مهم است که ذخایر عظیم انرژی دارد (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۸)، پس وجود این ذخایر در کشورهای حاشیه خزر موجب قرار گرفتن آنها در بیضی راهبردی انرژی شده است که به هارتلند جدید معروف می‌باشد که بر اهمیت ژئوپلیتیکی این حوزه می‌افزاید و به این ترتیب کشورهای قدرتمند جهان همچون آمریکا و اتحادیه اروپا و همچنین چین را برای دستیابی به این منابع به سمت این منطقه می‌کشاند.

#### ۲-۲-۲. اهمیت ژئوپلیتیک و قابلیت ژئواکونومیک دریای خزر

خزر از لحاظ سیاسی، امنیتی و راهبردی و ملاحظه‌های ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از دید صاحب‌نظران ژئوپلیتیک، اهمیت دریای خزر حتی پس از فروپاشی شوروی با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این حوزه در سطح منطقه و جهان، از ارزش آن نه اینکه کاسته نشده بلکه افزوده هم شده است. در حقیقت، موقعیت «ژئواستراتژیک حوزه خزر» به گونه‌ای است که مناطق بسیار پُراهمیتی مانند خاورمیانه، اروپا، روسیه و چین (به‌منزله قدرتی در حال ظهور) را به یکدیگر متصل می‌کند و به طور طبیعی هر گونه تغییر و تحول در این حوزه، مناطق پیرامونی‌یافته خود را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به این ترتیب تمامی قدرت‌های جهانی و حتی قدرت‌های منطقه‌ای از زاویه منافع خاص خود، این حوزه راهبردی را مورد توجه قرار خواهند داد (مینایی، ۱۳۸۶: ۱۵۴)، از طرفی، منطقه دریای خزر از زمان‌های گذشته به لحاظ اقتصادی دارای ارزش و اهمیت خاصی بوده است. وجود پهنه آبی وسیع در این منطقه با تمام ویژگی‌هایش و همچنین موقعیت ارتباطی آن با سایر سرزمین‌ها موجب شده است تا این منطقه از دیرباز یکی از مناطق مهم تجاری جهان به

شمار آید. دریای خزر به عنوان یک منبع غذایی و راه ارتباطی، مورد استفاده مردمان اطراف قرار گرفته است و نادرترین آبزیان دنیا نیز در آن یافت می شود (نامی، ۱۳۸۹: ۳۱). آنچه که بیش از همه بر اهمیت ژئواکونومیکی این دریا می افزاید، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز است؛ حوزه خزر بین دو قطب انرژی خاورمیانه و اوراسیا قرار دارد. همچنین مسئله ژئواستراتژیک خطوط لوله، بازار و وضعیت سرمایه از عواملی هستند که اهمیت این دریا را دو چندان کرده است (مهر عطا، خرداد و تیر ۱۳۸۹: ۱۸).

از دیدگاه صاحب نظران، دریای خزر تنها پهنه آبی در جهان است که دارای دو نوع طلای سیاه یعنی خاویار و نفت می باشد و با توجه به تمام شدن برخی از ذخایر میدان های نفت و گاز و همچنین نیاز روزافزون دنیا به انرژی، اهمیت حوضه خزر بیشتر آشکار می شود (نامی، ۱۳۸۹: ۳۱). از نظر راهبردی، منطقه خزر به یکی از مهم ترین مناطق جهان در سال های اخیر تبدیل شده است و همین امر باعث شد تا این منطقه توجه قدرت های منطقه ای و ابرقدرت های جهانی را به خود جلب نماید. منابع نفتی این منطقه بر اهمیت ژئوپلیتیک آن افزوده و آن را کانون توجه فعالیت های برتر دیپلماتیک و اقتصادی قرار داده اند (نامی و محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۶).

### ۳-۲-۲. امنیت ملی

برخی، امنیت را به صورت سلبی (فقدان تهدید) تعریف می کنند، اما این تعریف سنتی امروزه با این نقد که این نگرش نظامی گرایانه، توان تحلیل همه جانبه مسائل امنیت جهان را ندارد، مورد چالش قرار می گیرد. در نگرش های جدید به امنیت، ابعاد متعددی به مفهوم امنیت افزوده شده و امنیت به مفهومی «چندبُعدی» تبدیل شده است که از مباحث زیست محیطی و اقتصادی گرفته تا تهدیدهای نظامی را شامل می شود (Torbakov, 2008: 5). والتر لیپمن<sup>۱</sup> در تعریف امنیت ملی می گوید: «یک ملت وقتی دارای

1. Walter Lippmann

امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد» (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۱). آرنولد ولفرز<sup>۱</sup> می‌گوید: «معیار امنیت از لحاظ عینی، فقدان تهدید در قبال ارزش‌های اکتسابی است و از لحاظ تجربیدی (ذهنی)، نبود ترس از اینکه این ارزش‌ها مورد هجوم قرار خواهد گرفت» (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۷۲). آقای فرهاد درویشی سه‌تلائی تعریف زیر را از امنیت ملی به دست می‌دهد: «امنیت ملی، شرایط و فضای (ملی - فراملی) را در بر دارد که یک ملت در چارچوب آن می‌تواند هدف‌ها و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خویش را در سطح ملی و بین‌المللی گسترش دهد و یا دست کم در برابر تهدید بالقوه و بالفعل عوامل داخلی و خارجی، آنها را حفظ نماید» (رسائی، ۱۳۸۵: ۸۶). امنیت ملی از دو بُعد به هم پیوسته امنیت داخلی و امنیت خارجی تشکیل شده است. جنبه داخلی امنیت ملی، امنیت یک ملت در برابر تهدیدهای پیدا و پنهان در درون مرزهای ملی را شامل می‌شود. این تهدیدها می‌توانند سیاسی (شورش، جدایی‌طلبی و...)، اقتصادی (نابسامانی‌ها و بحران‌های اقتصادی و...)، نظامی (کودتا و جنگ داخلی و...) و اجتماعی (آشوب و شورش اجتماعی و...) باشند، که هر کدام به نوعی دولت ملی را تحت تأثیر قرار داده و موجودیت آن را مورد تهدید قرار می‌دهند. جنبه خارجی امنیت ملی به تهدیدهای برون‌مرزی علیه یک دولت مربوط می‌شود که دارای ابعاد سیاسی (انزوا و اعمال فشارهای سیاسی)، نظامی (حمله نظامی یا تهدید به حمله، تقویت بنیه نظامی دشمن)، اقتصادی (مانند تحریم‌های اقتصادی) و فرهنگی و اجتماعی است. امروزه این امر پذیرفته شده که به دلیل ارتباطات گسترده و نزدیکی ملل با یکدیگر، امنیت در ابعاد خارجی و داخلی به یکدیگر مرتبط بوده و تحت تأثیر و تأثر یکدیگر قرار دارند (مرادیان، ۱۳۹۰: ۱۷۸)، پس با توجه به گستردگی ابعاد امنیت ملی، در مقاله حاضر، تأثیر

نظامی شدن دریای خزر بر امنیت اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۳. یافته‌ها

یافته‌های این مقاله در سه بخش شامل عوامل مؤثر بر ایجاد تنش و نظامی شدن خزر، تأثیر نظامی شدن خزر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و محاسبه میانگین تأثیرگذاری هر یک از عوامل از طریق پرسشنامه دسته‌بندی می‌گردد.

#### ۳-۱. عوامل مؤثر بر ایجاد تنش در منطقه و نظامی شدن دریای خزر

##### ۳-۱-۱. نقش ذخایر انرژی دریای خزر در ایجاد تنش در این منطقه

با فروپاشی شوروی و شکل‌گیری سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در سواحل دریای خزر به همراه جمهوری اسلامی ایران و روسیه، محیط نوینی از لحاظ نظامی و امنیتی در منطقه ایجاد شد که بیشتر صحنه محاسبه‌های اقتصادی و سیاسی در راستای واپایش (کنترل) منابع انرژی بود (تدینی، ۱۳۸۹: ۲۸). نفت خزر که پس از فروپاشی شوروی اغراق‌های زیادی در مورد ذخایر آن صورت گرفت، به مرور زمان میزان ذخایر به مقدار واقعی‌تر خود تعدیل شد (رام، ۱۳۸۷: ۱۲۹). ارزیابی ذخایر اثبات‌شده نفت حوزه خزر در منابع مختلف با تفاوت‌های گوناگون صورت گرفته‌اند، ولی سازمان اطلاعات انرژی<sup>۱</sup> میزان ذخایر اثبات‌شده نفت را بین ۱۷ تا ۴۹ میلیارد بشکه تخمین می‌زند (بروجردی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴-۱۵). بر اساس برخی ارزیابی‌ها، ظرفیت گاز طبیعی منطقه خزر از ظرفیت نفت آن اهمیت بیشتری دارد. ذخایر گاز طبیعی منطقه ۲۳۲ میلیارد فوت مکعب برآورد شده است (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۳). با

1. Energy Information Administration (EAI)

توجه به اهمیت انرژی خزر برای کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تنش‌های ناشی از آن را می‌توان در موارد زیر بیان نمود:

#### ۱-۱-۳. نقش انرژی در بروز اختلاف در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

از آنجا که هر یک از کشورهای حاشیه خزر تلاش می‌کنند تا در مورد رژیم حقوقی این دریاچه، پیشنهادهایی را مطرح کند که سهم خود را از منابع دریا بیشینه سازند، بنابراین ادعای دو یا چند کشور بر سر یک حوزه نفتی، امری دور از انتظار نبود. چنین اختلاف‌هایی به تنش‌های سیاسی منجر شد، فضای همکاری و مشارکت را محدود کرد و بسترهای نزاع و تخاصم را پدید آورد. این موضوع، کشورهای ساحلی را تحریک کرد تا برای حفاظت از منابع خودخوانده، اقدام به تقویت توان دفاعی بنمایند (سلیمانی پورلک و شجاع، ۱۳۹۰: ۱۹۱)، پس باید بهره‌گیری از منابع و سرمایه‌گذاری برای استخراج منابع نفتی در این منطقه را بخشی جدایی‌ناپذیر از مسئله چالش‌های موجود در روابط میان کشورهای پیرامونی و نوع نگاه آنها به رژیم حقوقی دریای خزر دانست (فرشادگهر و میرتهامی، ۱۳۸۳: ۷۸).

#### ۲-۱-۳. تنش‌های ناشی از اختلاف بر سر مالکیت میدان‌های نفتی مورد ادعا

بهره‌برداری از منابع خزر به ویژه میدان‌های فراساحلی، موضوع اختلاف میان کشورهای ساحلی واقع شده است. بیشترین اختلاف‌ها میان ج.ا.ایران و آذربایجان، ترکمنستان و آذربایجان و ترکمنستان و ایران بروز کرد. البته روس‌ها نیز اختلاف‌هایی با قزاقستان و آذربایجان داشتند که در پی توافق‌های جدید حل شد. ج.ا.ایران و آذربایجان بر سر سه حوزه نفتی البرز (که آذربایجانی‌ها آن را آلو می‌خوانند) شرق و آراز با هم اختلاف دارند. ایران حتی در ژوئن سال ۲۰۰۰ مانع از عملیات اکتشافی شرکت بریتیش پترولیوم شد که برای اکتشاف استخراج منابع این حوزه‌ها با باکو قرارداد امضاء کرده

بود. اگرچه شرکت نفت دولتی آذربایجان و بریتیش پترولیوم در حال حاضر در حال اکتشاف از حوزه‌های نفتی یادشده هستند، اما تهران همچنان بر مواضع خود تأکید دارد (سلیمانی پورلک و شجاع، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

پس از برخورد نیروی دریایی ج.ا.ایران (با پشتیبانی نیروی هوایی) با شرکت بریتیش پترولیوم در ژوئن سال ۲۰۰۰، باکو این عمل را خصمانه تلقی کرد و از آنجا که توان لازم برای مقابله با ج.ا.ایران را نداشت، از کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و ترکیه تقاضای کمک نمود (سلیمانی پورلک و شجاع، ۱۳۹۰: ۱۹۷). همان زمان هواپیماهای ترکیه (عضو ناتو) به درخواست آذربایجان در آسمان منطقه به پرواز درآمدند. به‌دنبال آن دستیار وزیر دفاع وقت آمریکا به باکو سفر کرده و اعلام داشت که واشنگتن قصد دارد ناوگان دریایی آذربایجان را تقویت کند. پس از چندی اعلام گردید که آذربایجان رزمایش مشترکی را با آمریکا برگزار کرده است که نگرانی‌هایی را در ایران به‌دنبال داشت (ضیایی‌پرور، ۱۳۹۱).

همچنین در سال‌های گذشته همواره اختلاف‌هایی میان ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در مورد بهره‌برداری از سه میدان نفتی عمده در دریای خزر وجود داشته است. در این بین آنچه باعث دشواری اوضاع موجود شده، آن است که دو میدان از سه میدان نفتی یادشده که عشق‌آباد مدعی مالکیت بر آنهاست، در حال حاضر توسط باکو با کمک شرکت‌های غربی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. از سوی دیگر، وجود تهدید بالقوه در مورد بهره‌برداری از منابع انرژی دریای خزر، باعث شده که دولت ترکمنستان نیز با وجود پایبندی به سیاست بی‌طرفی در عین حال به نوسازی نیروهای نظامی و ایجاد نیروی دریایی مبادرت ورزد (بهمن، ۱۳۹۰: ۲۱).

## ۳-۱-۱-۳. استفاده ابزاری و سیاسی از مسیر خط لوله انتقال نفت و گاز خزر توسط غرب

اهمیت ژئواکونومیک منطقه خزر بیش از همه چیز به ذخایر انرژی آن بر می‌گردد. اختلاف غرب و روسیه بر سر چگونگی انتقال گاز خزر به اروپا و یا نگاه نگران روسیه و غرب به همکاری‌های چین با ازبکستان و ترکمنستان از عوامل بی‌ثباتی‌کننده و تنش‌زا در این منطقه است. گزارش آژانس بین‌المللی انرژی گویای آن است که تقاضای جهانی برای سوخت‌های فسیلی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰، نود درصد افزایش خواهد داشت (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷: ۲۱). آمریکا نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی جهان، در صدد است که با حضور در خزر افزون بر کاهش پیامدها و خطرهای ناشی از بی‌ثباتی عرضه نفت خاورمیانه، ساختار مورد انتظار قدرت جهانی خویش را با واپایش روسیه و ایران و تسلط بر ذخایر انرژی این منطقه برآورده سازد (خانی و کریمی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۶). روسیه و ج.ا.ایران به‌عنوان کشورهایایی که همیشه سیاست ایالات متحده را مورد انتقاد قرار داده‌اند، در وهله نخست از سوی این کشور مورد تهدید واقع شده‌اند (پسندیده، ۱۳۹۳: ۱۷۱). آمریکا از یک سو کوشیده تا انحصارگرایی روسیه در انتقال نفت منطقه را محدود کند و از سوی دیگر، سیاست واشنگتن بر این بوده است تا هرگونه مجال و فرصت مشارکت فعال در انتقال نفت و گاز منطقه را از تهران بگیرد (عزتی، ۱۳۹۰: ۴۶)، بنابراین باید گفت که منابع سوختی منطقه و لوله‌های نفت و گاز، ابزارهایی بوده‌اند که آمریکا از آنها برای گسترش و تثبیت حضور خود در این بخش مهم از دنیا، به‌عنوان قسمتی از سرزمین قلب (هارتلند)، جهت پیشبرد هدف‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود، استفاده کرده است (عزتی، ۱۳۹۰: ۴۹).

## ۳-۱-۲. تأثیر سیاست محدودسازی و افزایش تنش بین ایران و همسایگان در حوزه خزر

توسط آمریکا بر روند نظامی‌شدن این دریا

آمریکا با جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته حوزه پیرامونی خزر، همکاری گسترده‌ای دارد و این همکاری می‌تواند زمینه‌ساز تحولات ژئوپلیتیکی زیر به ضرر ج.ا.ایران در منطقه باشد:

- (۱) توسعه فضایی- ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی و قفقاز در جهت شرق به غرب و کاهش ارزش ژئوپلیتیکی ایران،
- (۲) کاهش وابستگی آمریکا به سازمان اوپک و ج.ا.ایران با تسلط آن بر منابع نفت و گاز حوزه خزر،
- (۳) با توجه به حضور قومیت‌های مختلف در دو سوی مرزهای شمالی ج.ا.ایران، حضور آمریکا، حتی می‌تواند تهدیدی بالقوه برای بروز بحران‌های قومیتی نیز باشد.
- (۴) فراهم شدن زمینه‌های حضور برای شرکت‌های رژیم صهیونیستی در منطقه و به تبع آن جلوگیری از نفوذ جمهوری اسلامی ایران و ایجاد شرایط تهدید امنیتی ایران (کامران و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۳).
- به طور کلی اقدام‌های آمریکا در راستای تقابل با ج.ا.ایران در حوزه خزر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

### ۱-۲-۱-۳. چالش‌های سیاسی - امنیتی

#### ۱-۲-۱-۳-۱-۱. نفوذ و سلطه سیاسی آمریکا بر کشورهای تازه استقلال یافته

آمریکا، سیاست منزوی کردن ایران را با نفوذ در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به اجرا در آورد. در این راستا از اهرم نفوذ در طراحی قانون اساسی و سایر مقررات استفاده کرد. تأکید قانون اساسی این کشورها بر نظام عرفی (سکولار)، نشان‌دهنده حمایت آمریکا از نفوذ ترکیه و مخالفت آن با گسترش نفوذ ایران در این منطقه بود. حمایت از حقوق بشر، تلاش برای ترویج دموکراسی و برقراری نظام اقتصاد بازار در واقع اعمال سیاست‌های آمریکا همراه با توجیه‌های انسان‌دوستانه بود. بخشی مهم از تلاش برای استقرار دموکراسی و نظام بازار آزاد در این منطقه از طریق پیمان «گوام»<sup>۱</sup> انجام شده است. از نظر واشنگتن فقدان دموکراسی و توسعه اقتصادی در این منطقه،



می‌تواند یکی از علل ناآرامی و تنش باشد و فعالیت شرکت‌های غربی را مختل کند (چابکی، ۱۳۹۰: ۶۵).

#### ۳-۱-۲-۱-۲. ایجاد جو اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و حمایت از رژیم صهیونیستی و ترکیه در برابر ایران

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که مبارزه علیه بنیادگرایی اسلامی و طالبان ابعادی گسترده یافت، این نگرانی شدت گرفت که ایران با الگوهایی که در عراق و لبنان نشان داده است، مسلمانان این منطقه را نیز شیفته‌الگو و تفکر خود کند. برنامه ج.ا.ایران برای دستیابی به دانش هسته‌ای که از سوی آمریکا به‌عنوان تلاش برای تولید سلاح‌های غیرمتعارف تعبیر می‌شود، دستاویزی دیگر برای دور کردن کشورهای منطقه از ایران بوده است، در مقابل با حمایت از رژیم صهیونیستی دشمن ایدئولوژیک و ترکیه رقیب اصلی جمهوری اسلامی در این منطقه، تلاش کرد ایران را در حوزه خزر منزوی کند (چابکی، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۵). هر دو کشور به‌عنوان متحد و دوست آمریکا عامل اجرای سیاست‌های واشنگتن در این منطقه به‌شمار می‌روند.

آمریکا از تلاش ترکیه برای تبدیل شدن به دروازه خزر به روی جهان حمایت می‌کند. راه‌اندازی خط لوله باکو-جیحان، تلاشی برای عینیت بخشیدن به این راهبرد بود (چابکی، ۱۳۹۰: ۶۷)، از طرفی، یکی از هدف‌های حضور ناتو در منطقه، حمایت از دولت‌های عرفی و آموزش نیروهای نظامی و امنیتی کشورهای منطقه برای مقابله با اسلام‌گرایان و تروریست‌ها بوده است (ترابی، ۱۳۹۲: ۱۶۸-۱۶۷). طرح خطر بنیادگرایی اسلامی از نوع ایرانی به‌عنوان عامل ناآرامی در منطقه، شگرد آمریکا برای دور کردن کشورهای حوزه خزر از ج.ا.ایران بود.

#### ۳-۱-۲-۱-۳. حضور نظامی در حوزه خزر

آمریکا تلاش دارد تا از مزیت‌های خود در حوزه نظامی بهره برده و سازمان‌های مورد نظر خود را در منطقه خزر مستولی نماید (ازدردی و قاتینی، ۱۳۹۰: ۳۱). گزارش وزارت

امور خارجه آمریکا برای کنگره درباره تأمین مالی بودجه‌ای عملیات جنگی در خارج از کشور در سال ۲۰۱۲ موجب اوج‌گیری جدید توجه به مسئله نظامی کردن خزر را فراهم کرده و نشانه رفتار نظام‌مند ایالات متحده در زمینه ایجاد تکیه‌گاه دریایی علیه ایران در این منطقه شد. طبق این گزارش، واشنگتن به علت «اهمیت فزاینده امنیت دریای خزر در این منطقه نفت‌خیز و گازخیز» درصدد است با مسلح کردن آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان از ایران و روسیه بازراندگی نماید (خبرگزاری روسیه، ۲۰۱۲).

### ۲-۱-۳. چالش‌های اقتصادی

#### ۱-۲-۳-۱. جلوگیری از مشارکت ایران در طرح‌های اقتصادی

آمریکا به شدت تلاش کرده است تا از تبدیل شدن جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک مسیر انتقال و صدور منابع انرژی دریای خزر به اروپا و خلیج فارس جلوگیری کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۲۹). در راستای اجرای این سیاست، آمریکا با حمایت از احداث خط لوله باکو-تفلیس-جیحان، مسیر شرق-غرب را فعال کرده و مانع از عبور حتی بخشی از این خط لوله از خاک ایران شد. عدم عبور این خط لوله از ایران، از نظر اقتصادی و سیاسی به زیان جمهوری اسلامی تمام شد (چابکی، ۱۳۹۰: ۶۹). از دیگر فرصت‌هایی که در این خصوص برای ج.ا.ایران فراهم شد، سهم شدن ایران در کنسرسیوم عملیات بین‌المللی آذربایجان بود؛ به این ترتیب که در نوامبر ۱۹۹۴، ایران یک چهارم از سهم ۲۰ درصدی آذربایجان به مبلغ ۳۵۰-۳۰۰ میلیون دلاری را خریداری کرد، اما در آوریل ۱۹۹۵ به دنبال فشارهای آمریکا از کنسرسیوم حذف گردید (رام، ۱۳۸۷: ۱۴۹) و این سهم به ترکیه واگذار شد.

#### ۲-۲-۳. تلاش برای به حداقل رساندن سهم ج.ا.ایران در دریای خزر

از منظر ج.ا.ایران، رژیم حقوقی باید با توافق همه کشورهای تدوین گردد و در صورت عدم توافق حتی یک کشور ساحلی، نباید هیچ گونه بهره‌برداری از منابع خزر

انجام پذیرد (مهرعطا، ۱۳۸۸: ۱۱)، پس حضور آمریکا در منطقه قفقاز و حمایت آن از آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان و مخالفت همزمان آن با جمهوری اسلامی ایران موجب شده است که ایران در بحث تعیین رژیم حقوقی دریای خزر با مشکل‌های بیشتری مواجه شود (جوادی ارجمند و رضازاده، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

### ۳-۲-۳-۱. تحریم اقتصادی ج.ا.ایران

با توجه به تحریم صنعت نفت ایران توسط آمریکا از یک سو، دست دولت ایران در برخی از طرح‌های خزر کوتاه ماند؛ به این دلیل که شرکت‌های نفتی آمریکا در بسیاری از طرح‌های استخراج و صدور نفت دریای خزر طرف‌های اصلی هستند و طبق این تحریم نمی‌توانستند با شرکت‌های ایرانی مشارکت داشته باشند (لشگری، ۱۳۸۸: ۲۴)، از سوی دیگر با توجه به عمق زیاد آب در بخش جنوبی دریای خزر، عملیات اکتشاف و حفاری در قلمرو مربوط به ایران، نیازمند سرمایه‌ای عظیم و فناوری نوین است. خودداری شرکت‌های نفتی از سرمایه‌گذاری در ج.ا.ایران، میزان بهره‌برداری جمهوری اسلامی ایران از ذخایر نفت و گاز خزر را در حد صفر نگه داشته است، در حالی که سایر کشورها از جمله آذربایجان و قزاقستان به کمک سرمایه‌های خارجی، حداکثر استفاده را از این منابع به عمل می‌آورند (لشگری، ۱۳۸۸: ۷۱).

### ۳-۱-۳. تنش‌های ناشی از عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

مسئله تعیین مرز دریایی کشورهای ساحلی خزر اگرچه می‌توانست به‌عنوان عاملی در جهت همکاری کشورهای منطقه باشد؛ اما به صورت عامل بسیار مهمی در جهت شکل‌گیری مناسبات سیاسی کشورها به سمت تقابل شده است؛ روابطی که به سمت واگرایی کشورهای منطقه دریای خزر سوق پیدا خواهد کرد. با توجه به ویژگی منحصر به فرد دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان، وضعیت حقوقی آن نیز به شکل خاصی دچار چالش شده و کشورهای منطقه هنوز در مورد تعیین مرز خود در این

دریا تصمیم مشترکی نداشته‌اند (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶). بی‌تردید بزرگ‌ترین عامل تهدید امنیت حوزه دریای خزر، بی‌تکلیف ماندن رژیم حقوقی دریای خزر است. حل نشدن مباحث مربوط به رژیم حقوقی دریای خزر با وجود مذاکرات به‌نسبت طولانی بین کشورهای ساحلی در مقاطعی موجب تقابل برخی از کشورهای منطقه شده است (بهمن، ۱۳۹۰: ۳۴).

باوجود اختلاف نظرهای سال‌های اخیر، چهارمین اجلاس سران حاشیه خزر که با حضور رؤسای جمهور پنج کشور حاشیه خزر در مهرماه ۱۳۹۳ در آستاراخان روسیه برگزار شد، نقطه‌عطفی در مذاکرات رژیم حقوقی دریای خزر بوده است. پنج کشور ساحلی پس از سال‌ها مذاکره در مورد اصول کلیدی رژیم حقوقی این دریاچه توافق کردند. بر اساس اعلام سران پنج کشور، طرف‌ها در مورد اصول همکاری توافق نمودند و بیانیه‌ای سیاسی را به امضا رساندند که پیش‌مقدمه‌ای بر امضای کنوانسیون در مورد وضعیت حقوقی دریاچه خزر محسوب می‌شود. رهبران پنج کشور ساحلی قانع شده‌اند که در اجلاس بعدی در قزاقستان در سال ۲۰۱۶ امکان امضای این سند و حل تمامی اختلاف‌ها وجود دارد (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳/۷/۸). هرچند به نظر می‌رسد همچنان دستیابی به توافق نهایی، باوجود توافق سران، موضوعی سخت و دشوار است.

## ۲-۳. تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

برای پی بردن به چگونگی تأثیرپذیری امنیت ملی ایران از نظامی شدن دریای خزر ابتدا به منافع ملی ایران در خزر اشاره می‌شود:

## ۳-۲-۱. منافع اقتصادی ج.ا.ایران در دریای خزر

(۱) تلاش برای گسترش روابط دوجانبه و چندجانبه اقتصادی با کشورهای این منطقه با تأکید بر اهمیت ایران به عنوان اقتصادی ترین مسیر انتقال کالا این کشورها (چابکی، ۱۳۹۰: ۶۳)،

(۲) جلب نظر جمهوری ها و کشورهای ساحلی دریای خزر برای استفاده از مسیر ایران در احداث خط لوله انتقال نفت و گاز منطقه و دریای خزر،

(۳) استفاده از مزیت های نسبی اقتصادی آسیای مرکزی در اقتصاد ایران از جمله معاوضه نفت و فرآورده های نفتی (قادری حاجت و نصرتی، ۱۳۹۱: ۷۷-۷۶).

(۴) انجام عملیات اکتشافی و دستیابی به ذخایر انرژی نفت و گاز در دریای خزر.

## ۳-۲-۲. منافع نظامی - امنیتی ج.ا.ایران در دریای خزر

(۱) ایجاد زمینه و تلاش منطقه ای و بین المللی برای جلوگیری از حضور نظامی دائم و یا موقت قدرت های بزرگ در نزدیکی مرزهای خاکی و آبی ج.ا.ایران،

(۲) تلاش به منظور اجماع سازی برای غیرنظامی کردن دریای خزر، جلب و گسترش همکاری های منطقه ای در قالب سازمان هایی مانند اکو و سازمان کشورهای ساحلی دریای خزر،

(۳) حضور در تلاش میانجیگرانه برای استقرار صلح در منطقه،

(۴) حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه (Dadandish, 2007: 88-89)،

(۵) مقابله با حضور بیگانگان به ویژه رژیم صهیونیستی در منطقه،

(۶) مقابله با پان ترکیسم و پان آدریسم،

(۷) خنثی کردن تلاش های انجام شده برای انزوای ایران (چابکی، ۱۳۹۰: ۶۳).

در ادامه به تهدیدهای اقتصادی و نظامی ناشی از نظامی شدن دریای خزر بر امنیت

ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می شود.

### ۳-۲-۳. تهدید اقتصادی ج.ا.ایران در دریای خزر

مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران برای انتقال منابع انرژی دریای خزر برای همگان واضح و مبرهن است، ولی این امتیازهای جغرافیایی برای بازیگران سیاسی عرصه روابط بین‌الملل به‌ویژه آمریکا تعیین‌کننده نبوده و آنچه که در سال‌های پس از فروپاشی شوروی مهم بود، تنها ملاحظه‌های سیاسی بوده است (لشگری، ۱۳۸۹: ۳۰). آمریکا می‌داند که عبور لوله‌های نفت و گاز از ایران تا چه اندازه بر امنیت و اقتصاد ج.ا.ایران تأثیر می‌گذارد و بخش مهمی از هدف‌های آمریکا نسبت به ایران در آسیای مرکزی و قفقاز را خنثی خواهد نمود (احمدی‌پور و لشگری، ۱۳۸۹: ۱۴-۱۲).

### ۳-۲-۴. تهدیدهای نظامی - امنیتی ج.ا.ایران در دریای خزر

در حال حاضر تهدیدهای نظامی - امنیتی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خزر به شکل تلاش‌های مختلف زیر دیده می‌شود:

#### ۳-۲-۴-۱. گسترش حضور نظامی آمریکا و ناتو

در راستای گرایش کشورهای حاشیه خزر به افزایش قدرت نظامی و برقراری روابط و بستن پیمان‌ها و قراردادهای نظامی با قدرت‌هایی همچون آمریکا و ناتو که به دنبال حفظ امنیت آنها در برابر قدرت‌های منطقه‌ای همچون روسیه به وجود آمد و به دنبال آن، گسترش ناتو به شرق و سپس به منطقه خزر، این کشورها را زیر چتر حمایتی کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا قرار می‌دهد و بر موقعیت نسبی مساعد ایران در این منطقه تأثیر منفی بر جای می‌نهد؛ به‌گونه‌ای که استقرار دائمی بخش قابل توجهی از نیروهای نظامی در مرزهای شمالی کشور را لازم و صرف امکانات بسیاری را می‌طلبد. این امر، به اجبار بر دیدگاه و روابط خارجی کشورهای منطقه در رابطه با ایران تأثیر می‌نهد و زمینه سردی روابط و مواجهه احتمالی با یکدیگر را در شمال گسترش می‌دهد (خدامرادی، ۱۳۸۹). در حال حاضر یکی از نگرانی‌های مهم ایران، توافق احتمالی جمهوری

آذربایجان با آمریکا در مورد احداث پایگاه نظامی ایالات متحده در «شبه جزیره آبشوران» است؛ به ویژه استقرار پایگاه نظامی آمریکا یا ناتو در این شبه جزیره، جمهوری اسلامی ایران، آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه را تحت نظارت در خواهد آورد (بهمن، ۱۳۹۰: ۱۸). با وجود توانمندی مقابله نظامی ایران در برابر هرگونه تجاوز، به نظر نمی‌رسد که ایران ساختار دفاعی خود را در برابر ناتو تعریف کرده باشد (مهورز، ۱۳۹۰: ۲۵).

#### ۲-۴-۲. حضور و نفوذ ترکیه و رژیم صهیونیستی در منطقه

با توجه به حضور نظامی ناتو و آمریکا در منطقه خزر و از آنجا که ترکیه نیز هم پیمان با ناتو می‌باشد و با توجه به نوع رژیم سیاسی این کشور، روابط گرم دولت ترکیه و رژیم صهیونیستی - که در تلاش مستمر برای نفوذ در منطقه است - برای ایران دربردارنده تهدیدهای امنیتی و نظامی است (خدامرادی، ۱۳۸۹). درباره حضور نظامی ترکیه می‌توان به پرواز جنگنده‌های این کشور در آذربایجان، برای واکنش به تهدید کشتی‌های شرکت بریتیش پترولیوم از سوی جت‌های ایرانی اشاره نمود، از سوی دیگر گسترش روابط و قراردادهای نظامی رژیم صهیونیستی با کشورهای منطقه، تهدیدی آشکار برای امنیت نظامی ایران محسوب می‌شود که در سایه نظامی شدن دریای خزر محقق گردیده است که در این میان، رابطه جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی از نمونه‌های بارز آن است. یکی از مهم‌ترین دلایل تلاش این رژیم برای نفوذ بیشتر در جمهوری آذربایجان، وجود مرزهای طولانی و ویژه‌ای است که این کشور با ایران دارد. این مرزها بهترین فرصت برای رژیم غاصب است تا با دسترسی به آنها اقدام‌های خرابکارانه خود را در خاک ایران انجام دهد (سعادت و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۹). همچنین با توجه به اینکه رهنامه (دکترین) نظامی ترکمنستان بیشتر جنبه دفاعی دارد، اما به منظور حفظ مطمئن مرزهای آبی کشور و نیز تأمین امنیت، در اندیشه تقویت هر چه بیشتر نیروی هوایی و زمینی خود با بهره‌گیری از توان رژیم صهیونیستی می‌باشد (رضانی بونش، ۱۳۹۲).

### ۵-۲-۳. نظامی شدن دریای خزر و امنیت سیاسی ج.ا.ایران

بدون شک نظامی شدن دریای خزر، فضای تعامل و همکاری‌های سیاسی را بین کشورهای منطقه محدود می‌کند. روند نظامی شدن خزر حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را در منطقه تسهیل نموده است. نتیجه اقدام‌های ضدایرانی ناتو، آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی در حوزه دریای خزر را می‌توان در تنش‌های مقطعی میان ایران با آذربایجان و ترکمنستان مشاهده کرد، مواردی از قبیل تنش در مورد منابع نفت و گاز، سهم سطح و بستر دریا، مسائل قومی و مذهبی و ... که روابط ایران و این کشورها را تا حالت تهدید نیز پیش برده است. مجموع این تحرکات، تلاش سیاسی ایران را در عرصه دیپلماتیک برای نزدیکی به کشورهای همسایه شمالی و دور کردن آنها از دشمنان فرامنطقه‌ای خود همچون آمریکا و رژیم صهیونیستی و جمع نمودن آنان در قالب سازمان‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای، تا به امروز با مشکل روبه‌رو کرده است.

### ۶-۲-۳. نظامی شدن دریای خزر و امنیت فرهنگی و اجتماعی ج.ا.ایران

با توجه به حضور قومیت‌های مختلف در دو سوی مرزهای شمالی جمهوری اسلامی ایران، نظامی شدن خزر و تشدید اختلاف‌ها بین ایران و همسایگان شمالی از جمله جمهوری آذربایجان و ترکمنستان می‌تواند بحران‌های اجتماعی و فرهنگی را در مرزهای شمالی ایران فعال نماید و از آنجا که همواره بحث قومیت در مرزهای ایران ابزاری برای ایجاد بحران از طرف دشمنان ج.ا.ایران برای حکومت مرکزی محسوب می‌شده است، پس این موضوع همچنان به‌عنوان یک عامل بالقوه مورد توجه قرار دارد که می‌تواند تحت تأثیر نظامی شدن دریای خزر و تیرگی روابط ایران با همسایگان شمالی، قابلیت بالفعل شدن پیدا کند.



### ۷-۲-۳. نظامی شدن دریای خزر و امنیت زیست محیطی ج.ا.ایران

شتاب جمهوری‌های تازه استقلال یافته در بهره‌برداری از منابع دریای خزر، باعث غفلت از منابع ارزشمند آبی دریا شده و مشکلات زیست محیطی پدید آورده است؛ به گونه‌ای که گفته می‌شود ده سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی، تنها حدود یک میلیون تُن نفت خام وارد دریا شده است. جمهوری آذربایجان سالانه ۳۵۰۰ تُن آلاینده شیمیایی و ۴۰۰ - ۳۰۰ میلیون متر مکعب فاضلاب صنعتی وارد خزر می‌کند. قزاقستان، روسیه (از طریق رود ولگا) و ترکمنستان نیز مقادیر زیادی آلاینده وارد دریا می‌کنند؛ این در شرایطی است که هنوز لوله‌های نفتی از بستر دریا کشیده نشده‌اند. ورود فزاینده آلاینده‌ها از سوی این کشورها به دریای خزر، این دریا را در آستانه فاجعه‌ای زیست محیطی قرار داده است؛ به گونه‌ای که خطرات آن به‌ویژه منافع ج.ا.ایران را - به دلیل لطمه زدن به شرایط مناسب موجود رشد آبیان مانند خاویار و غیره در آب‌های ایران - تهدید می‌کند (خدامرادی، ۱۳۸۹).

از آنجا که بیشترین عمق دریای خزر در سمت ایران قرار دارد، پس بیشترین آسیب‌پذیری از آلودگی دریا سهم ج.ا.ایران خواهد شد که با توجه به اختلاف‌های ناشی از عدم تعیین رژیم حقوقی و سایر موارد اشاره شده در بالا که کشورها را به سمت نظامی‌گری به پیش برده است، تفاهم بر سر ایفای نقش هر کشور در جلوگیری از آلودگی آب خزر را با مشکل روبه‌رو کرده است.

### ۳-۳. میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل مؤثر بر نظامی شدن دریای خزر

برای محاسبه میزان تأثیرگذاری و تبدیل عوامل از کیفی به کمی، پس از طراحی پرسشنامه و توزیع آن بین ۵۵ نفر از متخصصان، از آنها خواسته شد تا نظر خود را درباره میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل مؤثر در نظامی شدن دریای خزر، مشخص نمایند. نظرات پس از استخراج اطلاعات تمام پرسشنامه‌ها در طیف لیکرت به شرح زیر است:

جدول شماره ۳. میانگین تأثیر ذخایر انرژی دریای خزر بر روند نظامی شدن این دریا

پرسش	تأثیر ذخایر انرژی دریای خزر بر روند نظامی شدن این دریا	میانگین
۱	حجم ذخایر نفت و گاز دریای خزر	۴/۲۱۴
۲	سیاسی شدن انتخاب مسیر انتقال نفت و گاز دریای خزر	۳/۹۲۹
۳	میدان های نفتی مورد اختلاف در دریای خزر	۴/۱۹۶
۴	نیاز به تنوع منابع نفت و گاز در جهان برای مصرف کنندگان	۳/۷۸۶
۵	نیاز کشورهای تازه استقلال یافته حاشیه خزر به درآمدهای نفتی	۳/۹۲۹
	میانگین کل	۴/۰۱۱

جدول شماره ۴. میانگین تأثیر سیاست محدودسازی ج.ا.ایران در میان همسایگان شمالی از طرف آمریکا بر روند نظامی شدن خزر

پرسش	تأثیر سیاست محدودسازی ج.ا.ایران در میان همسایگان شمالی از طرف آمریکا بر روند نظامی شدن دریای خزر	میانگین
۶	ایجاد جوّ ایران‌هراسی از سوی آمریکا در منطقه	۳/۵۳۶
۷	نفوذ سیاسی آمریکا در کشورهای استقلال یافته حاشیه خزر	۳/۶۷۹
۸	جلوگیری از مشارکت ایران در طرح‌های اقتصادی منطقه خزر	۳/۶۰۷
۹	تلاش برای به حداقل رساندن سهم ایران در دریای خزر	۳/۷۳۲
	میانگین	۳/۶۳۸

جدول شماره ۵. میانگین تأثیر نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر بر روند نظامی شدن این دریا

پرسش	تأثیر نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر بر روند نظامی شدن آن	میانگین
۱۰	دخالت قدرت‌های فرامطقه‌ای در نامشخص بودن رژیم حقوقی	۳/۸۰۴
۱۱	نقش عامل اقتصادی در نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر	۳/۷۸۶
۱۲	نقش عدم تفاهم سیاسی در نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر	۳/۷۱۴
۱۳	نقش عامل جغرافیایی در نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر	۳/۷۳۲
	میانگین	۳/۷۵۹

جدول شماره ۶. تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

پرسش	تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت ملی ج.ا.ایران	میانگین
۱	تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت اقتصادی	۴/۲۱۸
۲	تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت نظامی	۴/۳۴۵
۳	تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت سیاسی	۳/۹۶۴
۴	تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت فرهنگی و اجتماعی	۳/۵۰۹
۵	تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت زیست محیطی	۳/۸۷۳

## ۳-۳-۱. تجزیه و تحلیل اطلاعات میدانی

## ۳-۳-۱-۱. عوامل مؤثر در نظامی شدن دریای خزر

با توجه به اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه (جدول‌های شماره‌های ۳، ۴، ۵)، و بر اساس طیف لیکرت، نظرات متخصصان درباره عوامل مؤثر بر نظامی شدن دریای خزر به این ترتیب بوده است: اولین عامل، نقش انرژی دریای خزر با میانگین تأثیرگذاری ۴/۰۱۵ در حد خیلی زیاد، دومین عامل، اختلاف بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر با میانگین تأثیرگذاری ۳/۷۴۵ در حد زیاد، و تأثیر سیاست محدودسازی و انزوای جمهوری اسلامی ایران در میان همسایگان شمالی از سوی آمریکا با میانگین تأثیرگذاری ۳/۶۲۷ به عنوان سومین عامل تأثیرگذار در نظامی شدن دریای خزر از طرف متخصصان پاسخ‌دهنده به پرسشنامه، مشخص گردید.

## ۳-۳-۱-۲. تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه (جدول ۶) و بر اساس طیف لیکرت، درباره تأثیرگذاری نظامی شدن دریای خزر بر امنیت ملی ج.ا.ایران نظرات متخصصان این نتایج را نشان می‌دهد که نظامی شدن دریای خزر بر ابعاد مختلف امنیت ملی ج.ا.ایران به ترتیب با میزان تأثیرگذاری: امنیت نظامی ۴/۳۴۵ در حد خیلی زیاد، امنیت اقتصادی ۴/۲۱۸ در حد خیلی زیاد، امنیت سیاسی ۳/۹۶۴ در حد زیاد، امنیت زیست محیطی ۳/۸۷۳ در حد زیاد و امنیت فرهنگی و اجتماعی ۳/۵۰۹ در حد زیاد می‌باشد.

## ۴. نتیجه‌گیری

## ۴-۱. جمع‌بندی

با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان عوامل بروز اختلاف و تنش در دریای خزر و گرایش این منطقه به سمت نظامی شدن را به دو دسته تقسیم کرد:

(۱) تنش‌های ناشی از اهمیت ژئواکونومیکی دریای خزر است؛ که «تنش ناشی از منابع نفت و گاز خزر» از این دسته می‌باشد.

(۲) تنش‌های منطقه خزر ناشی از اهمیت سیاسی و ژئوپلیتیکی آن است که شامل موارد زیر می‌باشد:

(۲-۱) تنش‌های ناشی از عدم تعیین رژیم حقوقی دریای خزر،

(۲-۲) اجرای سیاست انزوای ایران در خزر توسط آمریکا.

در پایان باید گفت که مجموعه عوامل تنش‌زا در دریای خزر، چه با ماهیت اقتصادی و چه سیاسی در کنار هم موجب بی‌ثباتی منطقه و بروز اختلافات و تنش‌هایی در بین کشورهای حاشیه خزر گردیده است که با وجود تأکید و اذعان سران تمام کشورهای حاشیه این دریا در سال‌های متمادی، مبنی بر غیرنظامی بودن دریای خزر و نام‌گذاری آن به دریای صلح و ثبات، در عمل همه این کشورها با توجه به تهدیدهایی که از ناحیه رقبا احساس می‌کنند و ریشه آن همان عوامل تنش‌زایی است که در این مقاله به آنها اشاره گردید، همچنان در پی افزایش توان نظامی خود در این دریا می‌باشند و این روند با سرعت هر چه بیشتر در حال پیگیری است. با توجه به نزدیکی روابط سایر کشورهای حاشیه خزر با روسیه، هر گونه نظامی‌گری در این دریا در درجه اول منافع و امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند.

## ۲-۴. پیشنهادها

### ۲-۴-۱. پیشنهاد به مسئولان

(۱) با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران در حاشیه خزر و عمق زیاد آب خزر در سمت ایران، استخراج نفت و گاز در آنجا پُر هزینه و یا امکان‌پذیر نمی‌باشد و این در حالی است که سایر کشورها (به‌ویژه آذربایجان) در حال بهره‌برداری از منابع نفتی این دریا می‌باشند، از سویی با توجه به روابط کشورهای تازه استقلال‌یافته حاشیه خزر با

آمریکا و رژیم صهیونیستی که دشمنان ایران هستند، اختلاف‌های رژیم حقوقی، بهانه‌ای برای دخالت آنها در منطقه به ضرر ایران می‌باشد. طولانی‌شدن مذاکره رژیم حقوقی، چه از لحاظ سیاسی و اقتصادی به ضرر ایران می‌باشد، پس لازم است تا مسئولان سیاست خارجی کشور با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان به دنبال راه‌حل‌های عملی و منطقی برای رسیدن به نتیجه نهایی باشند و از اتلاف وقت به ضرر ایران با توجه به طولانی‌شدن مذاکرات در سال‌های اخیر جلوگیری نمایند.

(۲) یکی از راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران در سند چشم‌انداز بیست ساله، تعامل و حفظ ثبات در محیط پیرامونی کشور اعلام شده است. با توجه به محصور بودن کشورهای حاشیه خزر در خشکی و از طرفی مزیت‌های ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در همجواری با خلیج فارس و دریای عمان و سواحل طولانی در جنوب کشور، استفاده از سیاست‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌برداری از این مزیت راهبردی باید در اولویت و دستورکار دولت قرار گیرد.

#### ۲-۲-۴. پیشنهاد به محققان

با توجه به گستردگی تعریف و ابعاد امنیت ملی، تحقیق حاضر فقط تأثیر نظامی شدن دریای خزر بر دو بُعد امنیت اقتصادی و امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده است، که پیشنهاد می‌گردد محققان، تأثیر نظامی شدن دریای خزر را بر سایر ابعاد امنیت ملی ج.ا.ایران مورد مطالعه قرار دهند.

## فهرست منابع

### ۱. منابع فارسی

۱. احمدی پور، زهرا و دیگران (۱۳۹۳)، «عوامل منازعه و همکاری در منطقه ژئوپلیتیکی خزر (ظرفیت‌های همگرایی و واگرایی)»، *دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۱.
۲. احمدی پور، زهرا و دیگران (۱۳۸۹)، *ژئوپلیتیک دریای خزر*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳. احمدی پور، زهرا و لشگری، احسان (۱۳۸۹)، «چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در بهره‌برداری از منافع خود در خزر»، *دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۶.
۴. اژدری، بهناز و قائینی، سعید (۱۳۹۰)، «نقش آمریکا در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر»، *دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا (ایراس)*، شماره ۳۵.
۵. بروجردی، علاءالدین و دیگران (۱۳۹۰)، «ژئواکونومی دریای خزر و تأثیر آن بر تأمین امنیت انرژی در اتحادیه اروپا»، *فصلنامه راهبرد*، شماره ۶۰.
۶. بهمن، شعیب (۱۳۹۰)، «سیاست‌های نظامی کشورهای منطقه و چشم‌اندازهای امنیت جمهوری اسلامی ایران در دریای خزر»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۳.
۷. بیلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه‌های تاریخی، نظریه‌ها، ساختار و فرایندها)*، ترجمه ابولقاسم راه‌چمنی و دیگران، جلد اول، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۸. پسندیده، سمیه (۱۳۹۳)، «همکاری‌های امنیتی ایران و روسیه؛ زمینه‌ها و چشم‌انداز»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۶۳.
۹. ترابی، قاسم (۱۳۹۲)، «حضور ناتو در آسیای مرکزی و قفقاز و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۳.
۱۰. تدینی، مهدی (۱۳۸۹)، «بررسی پتانسیل نفت و گاز کشورهای حاشیه دریای خزر و پروژه‌های مرتبط با آن»، *مجله اکتشاف و تحلیل*، شماره ۶۷.
۱۱. جوادی ارجمند، محمدجعفر و رضازاده، حبیب (۱۳۹۰)، «آسیب‌شناسی مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر از منظر ساختار - کارگزار»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۲.
۱۲. چابکی، ام‌البین (۱۳۹۰)، «تأثیر حضور آمریکا در حوزه خزر بر منافع جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۳.
۱۳. خانی، محمدحسن و کریمی پور، داوود (۱۳۹۲)، «دریای خزر و ملاحظات ژئواکونومیک شرق و غرب»، *دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۲.

۱۴. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۳/۷/۸)، «احتمال تعیین رژیم حقوقی دریای خزر تا ۲ سال دیگر»، قابل دسترس در: <http://tasnimnews.com/Home/Single/515030>
۱۵. خبرگزاری روسیه (۲۰۱۲)، «برگ خزر آمریکا و ناتو علیه روسیه و ایران»، منشر شده در تاریخ ۲۰۱۲/۱۰/۱۷، قابل دسترس در: [http://russiannews.ru/pers2/print\\_news.php?news\\_id=32793](http://russiannews.ru/pers2/print_news.php?news_id=32793)
۱۶. خدادمرادی، علی (۱۳۸۹)، «حوزه خزر و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، قابل دسترس در: <http://jahannews.com/getcseqsp2bqxi8.ala2.html>
۱۷. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، «سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۱.
۱۸. رضایی بونش، فرزاد (۱۳۹۲)، «اسرائیل و تعیین نخستین سفیر در ترکمنستان»، کد خبر ۲۸۳۰۳، منتشر شده در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۹، قابل دسترس در: <http://iras.ir>
۱۹. رام، منصوره (۱۳۸۷)، «چشم‌انداز توسعه نفت و گاز خزر و منافع ایران»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۱.
۲۰. رسایی، جواد (۱۳۸۵)، *مجموعه مباحث امنیتی*، تهران، فرماندهی آموزش نیروی مقاومت بسیج.
۲۱. روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، تهران، سمت.
۲۲. زین‌العابدین، یوسف و یحیی‌پور، محمدصادق (۱۳۸۸)، «بررسی ساختار ژئوپلیتیکی کشورهای حوزه دریای خزر»، *مجله فضای جغرافیایی*، سال نهم، شماره ۲۵.
۲۳. سلیمانی پورلک، فاطمه و شجاع، مرتضی (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر در فرایند نظامی شدن دریاچه خزر»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۳.
۲۴. سعادت، علی و دیگران (۱۳۹۱)، «روابط راهبردی اسرائیل - آذربایجان و پیامدهای آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۷.
۲۵. طاهراف، رفیق (۲۰۱۲)، «چرایی تهدیدات امنیت انرژی و نحوه مقابله با آنها»، ارائه شده در: دومین کنفرانس بین‌المللی پارادایم همکاری در دریای خزر، دانشگاه خزر، آکتائو - قزاقستان، قابل دسترس در: <http://farsnews.com/printable.php?nn=13910720000037>
۲۶. ضیایی‌پور، حمید (۱۳۹۱)، «پادگان خزر»، کتابخانه دیجیتال دید، قابل دسترس در: <http://did.tisri.org/document/index.fa.asp?cn=na00020043101310608>
۲۷. عزتی، عزت‌الله... (۱۳۹۰)، *جغرافیای استراتژیک ایران*، جلد اول، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. <http://hamshahrionline.ir/print/112696>
۲۸. فرشادگهر، ناصر و میرتهامی، الهام (۱۳۸۳)، «چشم‌اندازی از نفت و گاز دریای خزر»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۲.
۲۹. قادری حاجت، مصطفی و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۱)، «اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آسیای مرکزی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره ۲.

۳۰. قنبری، علی اصغر (۱۳۹۰)، *مروری بر جغرافیای طبیعی جهان اسلام*، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۳۱. کامران، حسن و دیگران (۱۳۸۹)، «بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای»، *فصلنامه جغرافیا*، شماره ۲۷.
۳۲. کمپ، جفری و هارکاو، رابرت (۱۳۸۳)، *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*، ترجمه سیدمهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبری.
۳۳. لشگری، احسان (۱۳۸۹)، «انتقال منابع انرژی خزر: تعارضی مابین اهداف سیاسی آمریکا و مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران»، *دوماهنامه ایراس*، شماره ۲۸.
۳۴. لشگری، احسان (۱۳۸۸)، «موانع جمهوری اسلامی ایران در بهره‌برداری از منافع ژئوپلیتیکی خود در خزر»، *دوماهنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)*، شماره ۲۳.
۳۵. مرادیان، محسن (۱۳۹۰)، «مدلسازی ریاضی سنجش امنیت خارجی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، شماره اول.
۳۶. مهرعطا، رضا (خرداد و تیر ۱۳۸۹)، «جایگاه ژئوپلیتیک دریای خزر در آسیای مرکزی و قفقاز»، *دوماهنامه تحولات ایران و ارواسیا*، شماره ۲۹.
۳۷. مهرعطا، رضا (۱۳۸۸)، «نگاهی به مواضع دولت‌های ساحلی خزر»، *دوماهنامه تحولات ایران و ارواسیا*، شماره ۲۶.
۳۸. مهرورز، آسیه (۱۳۹۰)، «بررسی تحولات رهنامه دفاعی - نظامی ناتو پس از ۱۱ سپتامبر و تأثیر آن بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، شماره ۳۳.
۳۹. مینایی، مهدی (۱۳۸۶)، *درآمدی بر ژئواستراتژی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴۰. نامی، محمدحسن (۱۳۸۹)، *جایگاه دریای خزر در استراتژی‌های جهانی با تأکید بر قرن ۲۱*، تهران، نشر زیتون سبز، سهره.
۴۱. نامی، محمدحسن و محمدپور، علی (۱۳۸۹)، *جغرافیای سیاسی و حقوقی آب‌های ایران (خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر)*، نشر زیتون سبز، سهره.
۴۲. یزدانی، عنایت‌الله... و نویسگانی، مجتبی (۱۳۸۷)، «جنگ سرد دوم در هارتلند تازه: ژئواستراتژی قدرت‌ها در پهنه ژئوپلیتیک خزر - خلیج فارس»، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۵۵.
۴۳. یزدانی، عنایت‌الله و دیگران (۱۳۸۶)، «تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت؛ مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ جدید»، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، شماره ۳.

## ۲. منابع انگلیسی

1. Dadandish, Parvin (2007), "Geopolitical Discourse in Central Asia: Interaction Fields of Iran and Russia", *Geopolitics Quarterly*, Vol.3, No.1, Tehran (in Persian).
2. Torbakov, Igor (2008), "The Georgia Crisis and Russia - Turkey Relations", The Jamestown Foundation.